یا ایها الذین آمنو اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

جامعه اسلامی دانشجویان

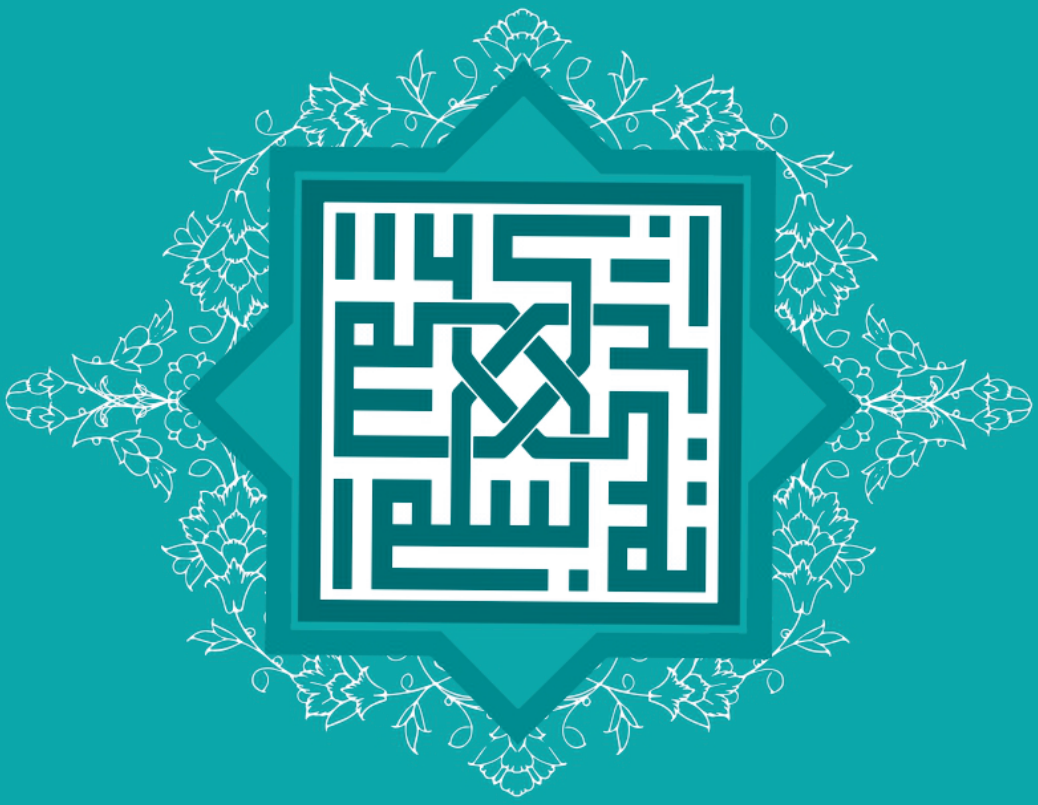
چیستی تورم

واحد مطالعات راهبردی

اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان



زمستان ۱۴۰۲



شناسنامه

عنوان جزوه: چیستی تورم

صاحب امتیاز: اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

گردآورنده: واحد مطالعات راهبردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

ویراستاران علمی: دکتر جواد اقدس طینت، حجت الاسلام دکتر علی نعمتی

تهیه و تنظیم: سجاد سمرقندی

طراحی و صفحه آرایی: علی خضری

jad.news.ir

jad.news.ir

jadnews

Akhbar_jad

یا ایها الذین آمنو اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

جامعه اسلامی دانشجویان

پیشگفتار

موضوعات اقتصـــــــادی معمولا پیچیده، چند بعدی و چند لایه هســـتند لذا نباید فقط بر اساس ظواهر مســـئله و آنچه به راحتی قابل مشاهده است در خصوص آنها قضاوت کرد بلکه باید همواره آنچه به راحتی قابل مشـــاهده نیســـت و نتایجی که با تاخیر اتفاق می افتند را نیز مورد توجه قرار داد. هر یک از پدیده های اقتصادی، از یک ســـــــو علت ها و عوامل ایجاد کننده متعددی دارند (پیدا و پنهان) و از سوی دیگر بر طیف گســـترده ای از مســـائل اقتصـــادی و غیر اقتصادی(فرهنگی، سیاسی و...)در جامعه تاثیر می گذارند.

تورم یکی از این پدیده های اقتصـــادی است که ماهیت و ابعاد آن بر بســیاری پوشیده است و از آنجا که بحث در خصـــوص آن ابعتد و لایه های مختلفی داشـــته و آثار آن نیز به طور تدریجی ظهور و بروز می کند جســـتجوی ریشـــه و علت و آثار آن تا حدودی دشوار است. هدف بحث پیش رو طرح و توضـــیح زوایایی از پدیده تورم با زبانی ساده و در قالب تمثیل است.

تعریف تورم

افزایش سطح عمومی قیمت ها را تورم گویند. اگر تنها قیمت یک کالای خاص یا دسته ای از کالاها افزایش پیدا کند به آن تورم نمی گوییم. باید عموم قیمت ها، آن هم به صورت برگشت ناپذیر، بالا رفته باشد. غالبا نیز مزمن است و نه مقطعی.

چرا تورم به وجود می آید؟

از نظر فنی، تورم معلول خلق قدرت خرید بدون خلق ارزش افزوده است.یک لایه از بحث تورم موضوع عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازار است. پرسش اصلی این است که عامل برهم زننده تعادل

عرضه و تقاضا چیست؟

در قالب تمثیل به پاسخ می پردازیم. اقتصاد را که بر مبنای تقسیم کار و مبادله میان همه مردم می چرخد می توان به یک حوض تشبیه کرد. هرکس که بخواهد از حوض اقتصاد، کالا و خدمات بگیرد، قبل از آن باید چیزی تولید کرده و در این حوض بیندازد تا متناسب با تولیدی که در حوض انداخته است بتواند از حوض برداشت نماید. اگر شخصی در کنار حوض اقتصاد قرار بگیرد و درخواست دریافت چیزی را داشته باشد ولی از پیش چیزی درون حوض نیفزوده باشد قادر به برداشت از حوض نخواهد بود.

یک اقتصاد تهاتری را در نظر بگیرید. سیستم بدین گونه خواهد بود که به طور مثال فردی نانی را به درون حوض انداخته و از حوض کتابی دریافت می کند یعنی متناسب با قیمت نان تولیدی وعرضه شده توسط خودش، قدرت خرید به دست آورده و می تواند

از درون حوض، کتاب یا هر کالا و خدمات دیگری تقاضـا نماید. در یک اقتصـاد پولی هم همین اتفاق می افتد و با این قید که پول در این فرآیند نقش واسطه مبادله را بازی می کند.

پرسش:آیا می شود کسـی نزد حوض آمده و بدون انداختن چیزی به درون آن از حوض اقتصاد چیزی برداشت نماید؟چگونه؟

بله! از طریق جعل پول.

تازمانی که تقاضاها از حوض متناسب با عرضه ها به حوض باشد قیمت های تعادلی تغییر نمی یابد. اما اگر گـروهـی بتوانند بدون اینکه چیزی در حوض اقتصـــــاد بیندازند از این حوض برداشت نمایند، تعادل عرضه و تقاضا به هم می خورد. مشـتری ها زیاد تر، اما عرضه همان عرضه سابق! اینجاست که قیمت ها به ناچار بالا می روند و تورم ایجاد می شـود. این ماجرا از طریق جعل اسـکناس ممکن می شود، به عبارت دیگر خلق پول بدون پشتوانه!

پرسش: بزرگ ترین جاعل اسکناس کیست؟

بزرگترین جاعل اسکناس بانک های مرکزی و دولت ها هسـتند که می توانند بدون واهمه اسـکناس چاپ کنند. دولت هم مثل بقیه اگر بخواهد از حوض اقتصـاد چیزی دریافت کند، کارمند استخدام کند،به پیمانکارانش بپردازد و یا هر مخارجی انجام دهد، باید پیش از آن، چیزی در حوض اقتصـاد انداخته باشد و متناسب با آن، پول به دسـت آورده و با اسـتفاده از این پول بتواند این محارج را انجام دهد. در اصل، مالیات گرفتن از مردم همین پول مشـروعی اسـت کـه در قبال انداختن مناسـب کالاها وخـدمات دولتـی به درون

حوض اقتصاد عاید دولت می شود.
باید دقت داشت زمانی که دولت از حوض اقتصاد مالیات جمع می کند، قدرت خرید را در قبال خدمتی که انجام داده، از مردم گرفته و این قدرت خرید را دوباره خرج می کند. این یعنی در مجموع همان قدرت خریدی که از قبل وجود داشـــته در حال چرخش در حوض است و دولت هم یک جزء و گوشه ای از حوض است. اما اگر دولت به دلایلی خرجش بیشـتر از دخلش باشد و نتواند به اندازه کافی از مردم مالیات بگیرد یعنی درحال پرداخت حقوق نجومی باشـد! بریز و بپاش و هزینه های گزاف و آنچنانی داشـته باشـد و به هر دلیلی کسـری بودجه داشته باشد و بخواهد اضافه خرج کند، کافی است به بانک مرکزی دستور چاپ اسکناس دهد. این پول یا قدرت خرید جدید، از طریق کارمندان و پیمانکارانی که از دولت پول می گیـرند به حوض اقتصـــاد تزریق می شود و تعادل قدرت خرید در مقابل ارزش افزوده بازار به هم می خورد. به یک باره حجم بزرگی از قدرت خرید پولی از مجرای دولت و نزدیکانش به حوض اقتصاد وارد شود بدون آنکه از قبل چیزی در این حوض تولید شده باشد و این باعث تورم می شـود. این چاپ اسـکناس نوعی مالیات گیری اسـت که مالیات تورمی نامیده می شود. یعنی دولت از طریق تورم به شکل پنهان مالیات می گیرد. این نوع مالیات از سـاده ترین روش های اخذ مالیات است اما باعث تخریب اقتصاد، تشـویق سفته بازی در فضای تورمی و باعث انتقال ثروت به ثروتمندان(کسـانی که درصد بیشتری از ثـروت خود را به شکل کالا و ملک نگهـداری می کنند)

می شود.

ما همیشه تصور می کنیم که فروشندگان، تولیدکنندگان و دلالان عمل گرانی و تورم اند، ولی در واقع گرانی امری دوطرفه اســـت و تا زمانی که خریدارانی نباشند و تقاضا در این قیمت های بالاتر نباشد هیچ گاه اجناس گران نمی شوند، در واقع تورم بیشـــــتر ناشی از آمادگی به پرداخت خریدارانی اســـــــت که اقدام به خرید کالا و خدمات با قیمت بالاتر می کنند و این نیز خود ناشـــی از پول های اضـافه ای اسـت که وارد بازار شـده اسـت. نه از طریق ایجاد ارزش افزوده و تولید، بلکه از طریق خلق پول جدید.

خلق اعتبار بانکی

علاوه بر چاپ اسکناس توسط دولت، راه دیگری برداشت از حوض بدون ایجاد ارزش افزوده قبلی، ایجاد اعتبار اسـت. در مثال حوض اقتصـاد گفتیم که تنها راه ایجاد قدرت خرید بی زحمت، این است که اسکناس چاپ نمایید، اما راه دیگری نیز وجود دارد. فردی قصـد برداشت از حوض اقتصـــاد را دارد و حوض نیز از وی تقاضای واریز ارزش افزوده ناشـی از تولیدش را دارد و وی در پاسـخ به حوض می گوید در هـر حال چیـزی تولید نکـرده و پولـی ندارم اما بعدا خواهم داد.(بعدا اضافه هم خواهم داد!!)

ما یک پول اولیه داریم که بانک مرکزی خلق و منتشر کرده(و به آن پایه پولی می گویند) و یک سـری پول که به صـورت اعداد و ارقام بوده و توسط بانک های تجاری در حســـاب های ما قرار می گیرد(خلق می شود). نقدینگی موجود در اقتصاد،مجمـوع هر دوی آنها

است.

بیشتر تصور می شود بانک ها پولی را که از سایر مردم در قالب های سپرده جمع آوری کرده اند به ما وام می دهند. حال آن که چنین نیست. بانک های تجاری به نحوی تولید اعتبار دارند. به شما وام پرداخت می کنند بدون اینکه از قدرت خرید و موجودی سپرده های هیچ یک از سپرده گذارانشان کم شود!

این پول تا پیش از درخواست شما برای وام وجود نداشت، اما با درخواست شما، اعتباری خلق می شود که به شما توانایی خرید اضافه از حوض اقتصاد را می دهد. در این وضعیت اگر چه افزایش قدرت خرید داریم و باید افزایش قیمت و تورم داشته باشیم ولی در نهایت باید شما این پول را در دوره بعدی برگردانید. به عبارتی دیگر در این دوره، قدرت خرید شما افزایش پیدا کرده است و در دوره بعد قدرت خرید شما کاهش پیدا می کند و این کاهش متناسب با همان افزایش است. از این رو به نظر می رسد این گونه خلق اعتبار نباید تاثیر تورمی بلند مدت داشته باشد هر چند در کوتاه مدت می تواند نوسان شدیدی ایجاد کند. اما شواهد عملی، حاکی از آن است که در این فرآیند به دلایلی اثری ماندگار به شکل تورم دارد.

مهم ترین دلیل ماندگاری اثر خلق قدرت خرید به شکل اعتبار توسط بانک های تجاری این است که بانک ها می توانند این خلق اعتبار را برای نزدیکان و وابستگان و حتی با دور زدن قانون، برای سهامداران اصلی خودشان نیز انجام دهند و بدهی‌هایی به حوض

خلق نمایند(خـــرید از حوض بدون پـــرداخت واقعـــی و با بدهکار شدن به حوض) که با تاخیر بســـیار زیاد بازپرداخت شده است و یا هیچ گاه بازپرداخت نمی شـــوند. این نوع بدهی ها به حوض فقط مربوط به ثروتمندان و فرادستان است و بخش عمده ای از فســـاد های اقتصادی امروزی را به خود اختصاص می دهد.

فارغ از بحث فســـــاد و اکل مال به باطل در این فرآیند، نکته مهم برای بحث ما ماهیت تورم زای این فرآیند اســـــت چرا که در نهایت سیستم بانکی می تواند خلق قدرت خرید بدون خلق ارزش افزوده داشـــته باشـــد و این نیز همچون خلق پول توســـط دولت و بانک مرکزی می تواند باعث تورم شود.

خلاصه:

۱-افزایش سطح عمومی قیمت ها(عموم کالا ها) را تورم گویند. تورم نشات گرفته از پیشی گرفتن تقاضا (قدرت خرید) از عرضه (تولید ارزش افزوده) است.

۲-به دیگر سخن اگر به هر روشی، فردی بتواند بدون وارد نمودن چیزی در حوض اقتصاد، از آن برداشتی داشته باشد تورم به وجود می آید. چگونه؟ با جعل اسکناس! و با خلق بدهی هایی که قرار نیست به راحتی بازپرداخت نشود.

۳-دولت ها اولین جاعلان اسکناس در کشور ها هستند. زمانی که خرج دولت بر دخلش پیشی بگیرد و از عهده مخارجش بر نیاید، توسط بانک مرکزی اقدام به انتشار اسکناس(بیشتر یکسری ارقام در حساب های الکترونیک) می کند و بی هیچ زحمت و دردسری، قادر به برداشت از حوض اقتصاد می شود.

۴-در لایه ای دیگر و در مقیاسی گسترده تر، بانک ها هستند که با ایجاد و خلق اعتبار از حوض اقتصاد خدمات و کالا دریافت می کنند بدون آن که چیزی به درون آن بیندازند. نوعا تصور می کنند که بانک ها پول جمع آوری شده از سایر مردم در قالب سپرده های مختلف را وام می دهند، حال آن که چنین نیست و در عمل بانک ها بسیار بیشتر از قدرت خرید های حبس شده در سپرده های بلند مدت وام می دهند و این یعنی خلق پول از هیچ!

۵-توجه: این تصور اشتباه که تورم ناشی از گران فروشی هاست را کنار بگذارید و دلیل تورم در لایه اصلی آن(خلق پول توسط بانک ها) جستجو کنید.



افزایش سطح عمومی قیمت ها را تورم گویند. اگر تنها قیمت یک کالای خاص یا دسته ای از کالاها افزایش پیدا کند به آن تورم نمی گوییم. باید عموم قیمت ها، آن هم به صورت برگشت ناپذیر، بالا رفته باشد. غالبا نیز مزمن است و نه مقطعی.

